



لبخند زد، ایستاد و تأمل کرد. در چشمانم نگاه کرد. نگاهش رنگ مهربانی و نگرانی داشت. شاد شدم و نگران. گفتم: «دلی‌ترین و عقلی‌ترین دعایم برایت این است که خدا همسری نصیبت کند که بدانی مردانگی یعنی چه. ان‌شاء‌الله مردی داشته باشی که طعم مرد داشتن را در کنارش بچشی.»

باز روی برگ‌های نیمه‌خشک پاییزی راه رفتیم. گفتم: «ممنونم بابایی!» و هر دو ساکت شدیم. شاید پنج دقیقه، هیچ‌کدام، هیچ نگفتیم. به دعای بابا فکر می‌کردم. هم فهمیدم چه گفت، هم نفهمیدم. خواستم توضیح بخواهم، اما خجالت کشیدم. بالآخره بابا سکوت‌مان را شکست و گفت: «مردی که مرد باشد؛ همین.»

در آستانه جوانی بودم. با پدر قدم می‌زدیم و از تنهایی با اولادت می‌بردم. آن روز دو، سه ساعت را با هم گذراندیم. صحبت‌های معمولی‌مان تمام شده بود و هر دو ساکت بودیم. فقط صدای قدم‌هایمان به گوش می‌رسید که با صدای خش‌خش برگ‌های پاییزی بر زمین ریخته، به هم آمیخته بود. گویی هر دو منتظر بودیم که دیگری چیزی بگوید. گفتم: «بابا...»

با مهربانی جواب داد: «جان بابا؟!»

– شنیده‌ام دعای پدر برای فرزند، مثل دعای پیغمبر است برای امت؛ درست است؟

– بله؛ همین‌طور است.

– الان دلم خواست برایم دعایی بکنید؛ دعایی از ته دل.

# دعای مستجاب پدر

علی اکبر مظاهری





می‌دارد. من که غیرت مَرَدَم را می‌بینم، از خودم بیشتر مراقبت می‌کنم. حواسم را شش‌دانگ جمع می‌کنم تا گوشه‌زدای غیرت مرد غیورم، چروکیده نشود. هیچ‌کدامان ذره‌ای از دلواپسی‌هایی را که برخی از همسران این روزگار دارند، ندارند.

### ۳. شجاع است

هم شجاع است، به معنای جراتمندی و مردانگی، هم شجاع است، به معنای توانمندی و غرضه‌داری. وقتی پیامبران در جانم طنین می‌افکند که: «الْمُؤْمِنُ كَالْجَبَلِ الرَّاسِخِ لَا تَنفِكُ الْعَوَاصِفُ»؛ «مؤمن، چونان کوه استوار است که توفان‌ها او را نمی‌لرزاند».

### ۴. صبور است

هم در ناملایمات زندگانی این جهانی صبور است، هم بر تلخی‌های دنیا، هم بر نامردمی‌های برخی مردمان. مَرَدَم را از مصداق‌های این سخن امام صادق می‌بینم که: «الْمُؤْمِنُ صَبُورٌ فِي الشَّدَائِدِ»؛ «مؤمن، در سختی‌ها شکیباست. اما صبوری‌هایش آن زمان چهره‌ معصومانه می‌گیرد که بر بچگی‌های گاه‌به‌گاه من، شکیبایی می‌ورزد؛ وقت‌هایی که من بغض می‌کنم و در دامان شکیبانه خودش پناه می‌گیرم».

### ۵. مهربان است

از بیان مهربانی و مهرورزی مَرَدَم مردانه‌ام ناتوانم. همین قدر می‌گویم که اگر مهربانی، در قامت انسانی ظاهر شود، همو مرد من است!

### پی‌نوشت‌ها:

۱. علق، ۱۴.
۲. نهج‌البلاغه، حکمت ۳۰۵.
۳. شرح اصول کافی، ج ۹، ص ۱۸۱.
۴. مستدرک‌الوسائل، ج ۲، ص ۴۸۸.

اکنون پس از چند سال، دعای پدر مستجاب شده؛ پدری که دعایش مثل دعای پیامبر است. اکنون مردی دارم مردانه؛ همان مردانگی‌ای که بابا می‌گفت.

### مرد مردانه من

مرد مردانه من که محصول دعای مستجاب پدرم است، چنین ویژگی‌هایی دارد:

### ۱. مؤمن است

به خدایمان ایمان استوار دارد. ایمانش از مغزش گذشته و به قلبش رسیده است و از قلبش تراوش کرده و همه‌ هستی‌اش را فراگرفته است. گویی خدا را همیشه می‌بیند؛ همان‌سان که خدا همواره او را می‌بیند. این سخن خدا را با جان و دل چشیده است که: «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى»؛ «مگر آدمی نمی‌داند که خدا می‌بیند!»

این سخن امام خمینی علیه السلام، را که: «عالم، محضر خداست. در محضر خدا معصیت نکنید»، از بُن جان دوست دارد و ریشه‌ آن را در همین آیه می‌داند. فرمان‌های خدا را، تا پای جان، اطاعت می‌کند. از نهی‌های خدا، تا پای جان، می‌پرهیزد. من را امانت خدا و امانت پدر و مادرم می‌داند و این امانت را، با دل و جان، تکریم می‌کند. هرگز از او گناه عمدی و ترک واجب عمدی، ندیده‌ام. مرد من، یار همراهی است که دست مرا، به مهربانی گرفته و داریم «پله‌پله تا ملاقات خدا»، عروج می‌کنیم.

### ۲. غیرتمند است

هم بر من غیرت می‌ورزد، هم بر دیگران، هم بر خودش. به این سخن حضرت امیر علیه السلام، از سویدای قلب، باور دارد که:

«مَا زَيْ غَيْرُ قَطٍّ»؛ «آدم غیرتمند، هرگز زنا نمی‌کند. هر بی‌عفتی، کم‌عفتی و سست‌عفتی را مشمول این سخن حضرت می‌داند. غیرت را بر خودش، همسرش و دیگران، یکسان روا